

ردی از دریدا در اشعار انتقادی - زبانی شیخ محمود شبستری

حسین یعقوب زاده مشهدی^۱، علیرضا جعفری^۲

۱- فارق التحصیل کارشناس ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کرج- hossein.yaghoobzadeh@gmail.com

۲- علیرضا جعفری، استادیار دانشگاه شهید بهشتی- Jafari45@yahoo.com

چکیده

در مقاله حاضر، کوشش گردیده دیدگاه های زبانی دو اندیشمند مشهور یعنی شیخ محمود شبستری و ژاک دریدا به خوانندگان معرفی شود. روش و رویکرد این مقاله، بر اساس دیدگاه دریدا درباره ساختار زدایی است. گرچه در نخستین نگاه ممکن است تطبیق این دو اندیشمند، که در زمان، مکان، و فرهنگ کاملاً متفاوت زیسته اند، کاری غیرقابل تصور به نظر برسد، اما با اشاراتی به اندیشه های زبانی آن ها، این حقیقت آشکار می شود که ای دو متفکر آن قدر که تصور می شد از هم دور نیستند، بلکه در بعضی از موارد دارای دیدگاه های مشترک و شبیه به هم هستند. در آغاز، برخی از مهمترین اندیشه ها و گفته های شبستری در گلشن راز در رابطه با موضوع زبان تبیین می گردد. سپس با تشریح مفهوم ساختارزدائی دریدا و نقش آن در ایجاد نگرش جدید در مفهوم زبان، زمینه برای پیوند اندیشه های زبانی وی با شبستری مهیا می شود. در طول خوانش مقاله، خواهید دید که چگونه دریدا و شبستری به بعضی از پرسش های زبانی پاسخ داده، و با نقد دیدگاه های زبانی رایج زمان خود، روشی نو ایجاد می کنند. یکی از مهمترین پرسش ها، اصل بودن گفتار و فرع شدن نوشتار، به عبارت دیگر، شفافیت گفتار و عدم شفافیت نوشتار برای انتقال معنا می باشد. شبستری و دریدا معتقدند گفتار، همچون نوشتار، از کارایی کافی برای انتقال معانی و حقایق برخوردار نیست. پرسشی دیگری که مطرح می شود، درباره چگونه به تعویق افتادن معنا در نوشتار است. از نظر دریدا و شبستری، شرایطی در متن در حال رخ دادن است که به موجب آن معنا از یک دال به دال دیگر هدایت شده و در رسیدن به مدلول قطعی در تکاپو باقی می ماند. پرسش آخر، درباره خصوصیت دو پهلو زبان است که به سبب آن، دو رویکرد عام یا خاص موجود در متن، با توجه به تفاوت در مرتبه فکری نویسنده و خواننده، زمینه ساز تولید بی حد و نصاب معانی می شوند.

کلید واژه ها: ساختار زدائی، شعر، گفتار، نوشتار، معنا